

سفرنامه به عتبات عالیات در عراق

سفری برای تصدیق تصورات از هویت دینی

امیر دبیری مهر

اشاره بجای مقدمه:

دو بار فرصت سفر به عراق را از دست دادم یکبار بخاطر نگرانی از امریکایی ها که در عراق حاکم بودند زمان پل برمر رییس حکومت موقت ائتلافی بر عراق (از می 2003 تا ژوئن 2004). چند سال پیش وقبل از برگزاری اولین دور انتخابات پارلمانی در عراق؛ برای فعالان سیاسی و انتخاباتی این کشور دوره های آموزشی بهره گیری از ظرفیت های رسانه ای در رقابتهای انتخاباتی برگزار شد که من یکی از مدرسان آن بودم و بعد از آن دوره مقامات عراقی برای سپاس از خدمات آموزشی صورت گرفته به عراق دعوتم کردند که بخاطر برخی ملاحظات امنیتی این سفر لغو شد. همان موقع خبر دار شدیم امریکایی نقشه کشیده بودند یکی از مقامات ایرانی را در کرکوک بازداشت کنند و با طرح اتهام دخالت ایران در عراق جنجالی رسانه ای و تبلیغاتی درست کنند که با همکاری کردهای عراق این نقشه عملی نشد از این رو سفر ما هم به عراق به مصلحت تشخیص داده نشد. در نوبتی دیگر هم قرار بود برای پیاده روی اربعین راهی عتبات شوم که باز بعلت برخی برنامه ریزی های نادرست این توفیق از من سلب شد. اما شوق تجربه این زیارت و راهپیمایی اربعین بر جانم ماند به گونه ای که هم شب قدر ماه رمضان گذشته و هم در لحظه سال تحویل از خدا خواستم این سفر به زودی در روزی معنوی من قرار دهد و بحمدالله این دعا مستجاب شد و از جانب ائمه معصومین علیهم السلام فراخوانده شدیم و به همراه مادر و دخترم راهی عتبات شدم. همسرم و پسر بعلت کار و مدرسه امکان همراهی ما را نیافتند.

این سفر هم مانند سفر سال 1386 به عمره مفرده کاملاً تصادفی مقدر شد و مقدمات آن به سرعت فراهم آمد.

انچه در این سفرنامه می اید شامل دو دسته مطلب است اول برداشت ها عقیدتی و ایمانی که برای فهم آنها به نوعی سمپاتی مذهبی نیاز است و دسته دوم نگاه پژوهشی و گاهی انتقادی که برای همگان قابل فهم و داوری و گاه گزنده اما سازنده است. امید است مفید فایده واقع شود.

آغاز سفر با تاخیر 9 ساعته

سفر سه شنبه یازدهم اردیبهشت 1397 مصادف با 14 شعبان 1439 هجری قمری برابر با 11 می 2018 آغاز شد. آخرین کاروان های راهی عتبات بودیم. قرار ما با دیگر اعضای کاروان صبح صادق به مدیریت آقای علی محسنی و مدیریت کاروان آقای فرخه ساعت 5 صبح در فرودگاه امام بود ساعت پرواز 8 صبح با شرکت هواپیمایی آتا به شماره پرواز 6623 تعیین شده بود. بعد از تحویل بار و دریافت کارت پرواز در کافه تهرن مستقر در فرودگاه من و دخترم سها خانوم یک قوه اسپرسو به قیمت 11000 تومان و قهوه موکا به قیمت 16000 تومان خوردیم. ان موقع صبح قهوه از هر نوع آن می چسبد و کسالت بامدادی را رفع می کند. بویژه که من و دخترم اساسا فضای کافه تریا را دوست داریم. با دیدن برخی از مسافران غیر ایرانی و همزمان با افزایش سرسام اور قیمت ارزهای خارجی بویژه دلار و یورو این بحث مطرح شد که هر چند با این اوضاع سفر برای ایرانیان مشکل شده است اما سفر به ایران برای خارجی ها بسیار ارزان است و این نتیجه کاهش ارزش پول ملی و شکاف بین پول ملی و ارزهای خارجی است که معلوم نیست به کجا ختم خواهد شد اما حتما ختم به خیر نمی شود زیرا تدبیری در آن دیده نمی شود.

ساعت 8 صبح طبق برنامه قبلی داخل هواپیما بودیم اما طیاره پرواز نمی کرد و اعلام شد مقداری تاخیر دارد و این مقداری!!! به سه ساعت تبدیل شد صدای اعتراض مسافران که پیرزن و پیرمرد در بین آنها زیاد بود کم کم بلند شد. هر چند پرواز به موقع حق هر مسافر در هر کجای دنیاست اما صبر و حوصله ایرانیان بسیار کم است و همیشه بیشتر از آنکه به دنبال ایفای حقوق خود از طریق قانون و مجاری حقوقی باشند بعلت فقدان ساز و کارهای قانونی و شفاف به اعتراض زبانی توام با توهین و به نوعی به تخلیه روانی می پردازند. متاسفانه شرکت آتا هم غیر از یکی از میهمانداران که سعی می کرد با زبان خوش فضا را آرام کند نه توضیح صحیحی می داد و نه پذیرایی مناسبی از مسافران کرد و اعتراض مسافران بیشتر شد تا ساعت 10:45 که بالاخره هواپیما پرواز کرد. من هم تا این ساعت سعی کردم خونسرد باشم اما همزمان خبر تاخیر و اعتراض مردم را در اینستاگرام و کانال تلگرامی ام منتشر کردم و برای برخی دوستان رسانه ای فرستادم. بعدا متوجه شدم بازتاب خوبی پیدا کرده بود.

خرافات بجای توکل

یکی از نکات جالب جامعه شناختی این بود که برخی از افراد حاضر در هواپیما برای رفع مشکل پیش آمده بدون انجام مقدمات دایم صلوات می فرستادند و دیگران را دعوت به فرستادن صلوات با صدای بلند می کردند. نمی دانم این روش حل مشکلات فنی هواپیما از چه زمانی رخ نمایان کرده است که اینقدر طرفدار هم دارد به نظر من صلوات یک امر الهی به منظور تکریم مقام نبی مکرم اسلام و اهل بیت ایشان است که توام با ثواب و هدایت است و برکات زیادی بر آن مترتب است اما هیچ سندی وجود ندارد که صلوات می تواند مشکلات مدیریتی و مکانیکی

و فنی مردمان را حل کند. البته شاید عده ای از مومنان برای فرار از ترس و اضطراب صلوات می فرستند که البته طبیعی است اما اگر به نیت باز شدن گره از کارهایی باشد که نیازمند عقل و خرد است کار ناصوابی است

ترجیح منافع شرکت هواپیمایی به منافع مسافران

اما جالب اینجاست که هواپیما که ساعت یک ربع به 11 پرواز کرد تا یک ربع به 12 پرواز کرد اما خلبان ناگهان اعلام کرد بعلت مشکل فنی به فرودگاه امام باز خواهد گشت همه تعجب کردند که وقتی یک ربع تا فرود در فرودگاه نجف باقی مانده چرا خلبان تصمیم گرفته به تهران بازگردد و باز نارضایتی ها زیاد شد . به نظر آمد خلبان و شرکت هواپیمایی انا برای اینکه هواپیما در فرودگاه نجف برای تعمیر نماند ترجیح داد حقوق مسافران را کاملاً تضییع کند ولی منافع مادی شرکت تضییع نشود. این نگرش همان نگرش جهان سومی و عقب مانده به مشتری است که هم مشتری و هم بنگاه اقتصادی را ورشکست می کند. با بازگشت هواپیما هم اضطراب مسافران بیشتر شد و هم خستگی تاخیر بیشتر به جانها نشست و این ابهام ایجاد شد که سرنوشت این سفر چه خواهد شد. بهر حال هواپیما به تهران بازگشت . جالب اینجاست که برخی مسافران بجای اینکه به علت این بی نظمی ها و نابسامانی ها در سفر فکر کنند و در هر جا و موقعیتی که هستند برای آن چاره ای بیندیشند می گفتند بخاطر گناه کاری مسافران امام علی (ع) ما را نپذیرفت . برخی هم خدا را شکر می کردند که هواپیما سقوط نکرده و سالم رسیده است و کمتر کسی به فرسودگی ناوگان هوایی و علل متعدد آن فکر می کرد . اسم این طرز فکر را فقط می توان بلاهت و جهل و عقب ماندگی دانست و بس که در پوشش اعتقادات دینی و مذهبی پنهان شده است اما در واقع هیچ ربطی به دین و اعتقادات ندارد.

بهر حال بعد از بازگشت به فرودگاه امام مدتی در سالن ترانزیت معطل و سرگردان بودیم و اعتراض های جسته و گریخته هم چندان نتیجه ای نداشت . از طریق تلگرام به دوست گرامی آقای حمید رضا فرزاد در نهاد ریاست جمهوری در خصوص این تاخیر پیام دادم و او هم گفت شرکت انا سابقه خوبی در این زمینه ندارد. و قرار شد پیگیری کند بهر حال ساعت حدود 4 پرواز انجام شد و ما ساعت 6 با حدود 9 ساعت تاخیر به شهر نجف اشرف رسیدیم.

انچیزی که بیشتر من را ارام کرد و مانع از اعتراض بیشترم شد همین باور بود که سفر کربلا سفر کرب و بلاست و شایسته نیست مسافر برای مشکلات لابه و جزع کند . هرچند ارتباط این مساله با بی لیاقتی برخی مدیران و شرکت ها قابل درک نیست.

نجف شهر مولا علی

بعد از ورود به فرودگاه نجف و انجام تشریفات ورود به کشور عراق سوار اتوبوس هایی شدیم که برای انتقال به هتل در نظر گرفته شده بود. هیجان عجیبی از دیدن این شهر داشتم شهری که مزار مطهر و مضجع منور امام علی (ع) را در خود دارد. مردی که یکی از ستون ها اصلی هویت ما را شکل داده است با نام او بر می خیزیم و از نام و یاد او در همه امور مدد می گیریم. اسطوره شجاعت و بلاغت و خرد و عقلانیت و تقوای من از زمانی که ادارک پیدا کردم تا امروز در این شهر مدفون است و درواقع این خاک لیاقت پذیرفتن این دردانه ی همه دوران ها را پیدا کرده است. همین یک دلیل برای جذابیت نجف کافی است اما فقط همین دلیل برای دیدن نجف اشرف کافی نیست

در بدو ورود به شهر نجف زمزمه می کرد م

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

الحمد لله الذی ادخلنی هذه البقعه المبارکه التی بارک الله فیها

. خسته و کوفته رسیدیم به هتل ام القرى در شارع امام علی روبروی سوق الکبیر یا همان بازار بزرگ نجف که انتهای آن به حرم امیر المومنین ختم می شود. هتلی که 4 ستاره نامیده می شد ولی حداکثر می توان آن یک مسافر خانه تمیز تلقی کرد. اما شوق زیارت حرم علوی گویی خستگی و ناراحتی های این سفر طولانی و خسته کننده را از یادها برد و همه مشتاق حرکت به سوی حرم بودند.

در یازدهم اردیبهشت 97 وقت اذان مغرب ساعت 7 شب به وقت نجف بود. اختلاف ساعت نجف با تهران حدود یک و نیم ساعت است. از این رو راهی حرم شدیم تا پس از سالها انتظار و حرمان به دست بوسی و پابوسی امام علی شرفیاب شویم و نماز را در جوار امام عزیزمان اقامه کنیم. در مسیر ده دقیقه ای تا حرم دو چیز بیش تر از هر چیز جلب توجه کرد یکی شهر عقب مانده و الوده و شلوغ و مملواز گرد و غبار و گرما که مزار علوی همچون نگینی در این شهر نا اباد در مظلومیت و انزواست مانند خود امام پارسایان که در میان این مردم غریب و تنها بود و به نظرم هنوز هم تنهاست. اولین اشکی که برای غربت امام ریختم زمانی بود که مداح کاروان گفت مزار امام علی در قیاس با کربلای معلی مظلوم واقع شده است.

ورود ما به نجف مصادف بود با شب نیمه شعبان و این جزو بخت و سعادت ما بود که در چنین شب عزیزی میهان اقا امیر المومنین باشیم. در این فضای منور و نورانی فقط می توان گفت

الحمد لله الذی جعل من زوار قبر وصی رسوله جا بالحق من عند الله و اشهد ان علیا عبدالله و اخو رسول الله و جعلنی عندک وجیها فی الدنیا و الاخره و من المقربین

فضای حرم همانی بود که تصور می شد مملو از نور و بوی خوش و نسیم بهشتی که گویی از حرکت بال فرشتگان صورت زایران را نوازش می کند. مراسم دعای توسل بعد از نماز حال و هوای خوشی به همه داد انقدر روحم تازه و با نشاط شد که انگار نه انگار از ساعت 3 صبح بیدار و سرپا بودم . با اقا امیر المومنین بی واسطه و از نزدیک درد و دل کردم و حاجاتم را محضر ایشان تقدیم کردم. سعی شد بیشتر دعاگوی دیگران باشم ملتمسین دعا و متوسلین به ایمه اطهار علیهم السلام.

کفش دزدی و امکانات کم برای زوار

وقتی بازگشتم از کفشهام خبری نبود هر چه گشتم نیافتم ظاهرا کفشهای رنگ و لعاب دار را می دزدند. متأسفانه نظام کفش داری و امانت داری در حرم امام علی اصلا و ابدا در شان چنین مقامی و پاسخگوی زوار نیست. مقداری گشتم اما کفشم را پیدا نکردم . پا برهنه وارد بازار شدم و کفشی چینی به قیمت 30 هزار تومان خریدم و برگشتم هتل و همان سرشب بعداز شام بیهوش شدم تا صبح. کیفیت غذا معمولی بود ظاهرا همه غذاها در شهرهای مذهبی در آشپزخانه های سازمان حج و زیارت طبخ می شود تا از نظر بهداشتی مشکلی متوجه زوار نباشد.

نخستین روز اقامت در نجف اشرف

تا ساعت 9 صبح خواب بودم تا خستگی روز گذشته از تن بیرون رود و بعداز بیداری و صرف صبحانه با شوق راهی حرم علوی شدم. مسیر بین هل ام القرى تا حرم امام علی بازار بزرگ نجف قرار دارد. بازاری مملو از اجناس بی کیفیت و دم دستی اما شلوغ و پر همهمه. نام بازار سوق الکبیر است بین دوخیابان امام زین العابدین و امام صادق واقع شده است بازار دو معبر دارد یکی سرپوشیده و یکی سرباز. بعد از زیارت مزار امام عزیز و دو پیامبر عظیم الشان یعنی حضرت ادم و حضرت نوح که در جوار امام مدفون هستند به جستجوی همیشگی مزار بزرگان در صحن های مجاور پرداختم.

شاید سوال شود که چگونه است که مزار حضرت نوح در نجف و در جوار امیر المومنین است ؟ روایت است که کشتی نوح در این شهر به زمین نشست . اساسا نجف از دو واژه نی و جف ساخته شده است . به معنای دریا خشک شد و این دلیل زبان شناسی بر صحت آن روایت است.

اول از همه مزار مصطفی خمینی را دیدم و فاتحه ای برای ایشان فرستادم مزار او در کنار مزار ایت الله کمپانی است واقع در اتاقکی در سمت راست ایوان نجف همان جایی که قدیمی ها می خواندند

هر قلب برای قبله جایی دارد

هر قبله برای خود خدایی دارد

این جمله شنیدم ز درون کعبه

ایوان نجف عجب صفایی دارد

بر مزار علامه حلی ، مقدس اردبیلی ، سید کاظم طباطبایی یزدی ، ایت الله خوبی ، شیخ عباس قمی حاضر شدم
و برای همه این بزرگان فاتحه ای فرستاده و از ارواح بزرگ ایشان مددی برای ارتقای روحی طلبیدم.

به راستی که رسول اکرم خطاب به مولا علی فرمودند: ان الله قد جعل قبرک و قبر ولدک بقاعا من بقاع الجنة
و امام صادق فرمودند: هر کس جدم امیر المومنین را از روی معرفت زیارت کند خداوند برای هر قدمش پاداش
حج و عمره مقبول می نویسد...

روایتی در بحار الانوار هست که سر مقدس امام حسین در جوار مزار مطهر پدرش دفن است بدین گونه که زمانی
که سرمبارک را از کربلا به شام می بردند یکی از شیعیان آن را مخفیانه در جوار مزار امام علی دفن کرد. (بحار ج
45 ص 178)

حرم علوی دارای چندین باب من جمله باب امام رضا ، باب مسلم بن عقیل ، شیخ طوسی ، باب القبله و باب الفرج
است .مسجد الخضرا ، مسجد عمران بن شاهین ، مدرسه غرویه ، حسینیه بکتابشیه ، مکتبه الحیدریه و ایوان العلما
از دیگر اماکن مهم صحن جامع علوی است که گشت و گذار معنوی و تاریخی در آن بسیار لذت بخش است . برای
مثال مزار ملا محمد مهدی نراقی صاحب جامع السعادات و ملا احمد نراقی صاحب معراج السعاده در ایوان
العلماست.

زیارت دوره دیگر امکان مقدس نجف:

نجف اماکن تاریخی و دیدنی زیادی داردمانند قبرستان وادی السلام ، مرقد کمیل بن زیاد نخعی از اصحاب سر
امام و یکی از هشت عابد و زاهد کوفه ، مقام راس الحسین و مسجد حنانه که در 3 کیلومتری حرم علوی و در
خیابان اصلی نجف – کوفه قرار دارد، مسجد میثم تمار که مدفن این صحابی خاص امام علی در آنجاست ، مسجد
کوفه که در آن محراب شهادت امام علی ، محراب نوافل حضرت ، مرقد مسلم بن عقیل ، مزار مختار ثقفی ، هانی
بی عروه و خانه امام علی است.

در این زیارت های دوره چند نکته جلب توجه می کرد.

- نود درصد زوار ایرانی هستند و به نظر می آید بدون زوار ایرانی اماکن زیارتی عتبات عالیات رونقی از نظر مراجعه نخواهد داشت. اما عراقی ها به این نکته بدیهی واقف نیستند یا خود را به تجاهر می زنند و سازوکار ها و ارتباطات با زوار ایرانی در شان و در خور این حجم از زوار و جایگاه آنها نیست.
- حجم زیاد کاروان ها ی ایرانی در اماکن عتبات موجب تداخل ورود و خروج آنها و نوعی بی نظمی و آشفتگی شده است. و ظاهراً هیچ برنامه ریزی و هدایت متمرکزی وجود ندارد.
- راهبران کاروان ها در قالب روحانیون و مداحان رفتار های پر اشکالی دارند از سویی در بین مطالب تاریخی اطلاعات اشتباهی فراوانی منتشر می کنند از سویی در حوزه عقاید ترویج خرافات می کنند و گاهی در حوزه مسایل سیاسی ورود می کنند و نوعی عوام زدگی را ترویج می کنند. آموزش این افراد از مهمترین و واجب ترین اولویتهای سازمان حج و زیارت است. برای مثال در مسجد سهله مانند مراسم براثت از مشرکین در عرفه عمل می شود که معلوم نیست از کجا ریشه گرفته است. باید به شدت از رفتارهایی که شیعیان در مظان اتهام قرار می دهد پرهیز کنیم. افراطیون در جهان اسلامی تبلیغات منفی می کنند که شیعیان و جمهوری اسلامی در صدد هستند زیارت عتبات را جایگزین حج ابراهیمی کنند و باید از رفتارهایی که این شایعات تفرقه افکن را تقویت می کند پرهیز کنیم.
- در عراق عکس برداری فیلم برداری با موبایل و دوربین از همه اماکن مذهبی ممنوع است و مبنای آن هم روشن نیست و این مساله موجب زحمت زوار شده است که در هر مکانی باید موبایل خود را تحویل دهند و مجددا دریافت کنند. البته صحیح است که نبود موبایل موجب تمرکز بیشتر زوار می شود اما حاشیه ها و زحمات ناشی از اخذ گوشی ها بیشتر از فواید آن است.
- اطلاع رسانی در باره اماکن زیارتی در عتبات در قالب تابلو، بروشور و کاتالوگ و بلوتوث و .. در حد صفر است و از این جهت واقعا مایه تاسف است.
- بوس کردن در و دیوار و زمین اماکن زیارتی هم کاری خرافی است و هم کاری غیر بهداشتی که متأسفانه از جانب رهبران کاروان ها نهی نمی شود گفته می شود منشا اغلب بیماریهای زوار از این هم رفتار ناشی می شود. اشتباه اینجاست که بوسه به نهایت احترام تعبیر شده است.
- حضور شیعیان هندی در عتبات عالیات پررنگ است. در سفر به هند نیز متوجه شدم شیعیان از اعتقادات عمیقی و مستحکمی برخوردارند و برای ائمه اطهار احترام غیر قابل وصفی قائل هستند. حضور عاشقانه شیعیان هندی را در عتبات نمی توان نادیده گرفت

روز سوم حضور در نجف:

روزسومی که در نجف بودیم سری به بازار زدم . گفته می شد " در نجفی " سوغات و یادگاری خوبی از نجف است . همچنین قصد داشتم عبایی نیز از نجف به یادگار خریداری کنم . چند نکته در نجف توجه من را جلب کرد .

- همزمان با حضور ما در نجف قیمت ارزهای خارجی در ایران در نوسان بود و این مساله موجب تمسخر و کنایه های کاسبان عراقی شده بود به گونه ای که برخی از آنها از گرفتن پول ایرانی خودداری می کردند. اغلب می گفتند تومان ایرانی دیگر ارزشی ندارد و این برای من بعنوان یک ایرانی واقعا مایه شرمساری بود که باید بواسطه بی لیاقتی و بی تدبیری مدیران کشورم در حوزه سیاست های پولی و ارزی اینچنین مورد کنایه پیشه وران کشور عقب مانده ای مانند عراق شوم.

- برخی از مردان در نجف بسیار چشم چران و هیز هستند و دایم چشمانشان زنان و دختران را جستجو می کند . این رفتار در شهر مذهبی مانند نجف شرم آور است.

- نجف به معنای واقعی شهری است عقب مانده و ویران و فاقد جذابیت های شهری . از نظر معماری و خیابان بندی و کوی و برزن شبیه مناطق محروم زاهدان است و جای تعجب است که بعد از این همه تحولات دچار تغییرات جدی نشده است و رنگ و بوی توسعه نیافته است.

- حرم کنونی و صحن و سرای موجود امام علی واقعا پاسخگوی این همه مشتاق زیارت اقا نیست و توسعه حرم از ضرورت های اجتناب ناپذیر است . در حال حاضر بخشی از صحن حضرت زهرا به خوبی ساخته شده و بخشی از نیازها را پاسخ می دهد اما طرح قابل توجه و مهم طرح توسعه حرم است که 10 برابر فضای کنونی است و انشاء الله تا 5 سال آینده تکمیل شده و نیازها را مرتفع می سازد.

- خیلی مایل بودم دیداری با ایت الله سیستانی داشته باشم که بعلت هماهنگی دیرهنگام میسر نشد اما در همان خیابانی که منزل ایشان است که روبروی باب القبله حرم علوی بازدید از منزل امام خمینی در 12 سال تبعید داشتم که مانند موزه برای بازدید مردم مهیا شده است. خانه ای قدیمی امام با معماری جذاب و کارآمد باز یرزمینی بزرگ و حیاتی کوچک خانه ای که امام خمینی سالها را در انجا گذراندودر همان خانه و محله دیدگاههای خود را درباره حکومت اسلامی طرح و سامان داد و مبنای مملکت داری در سالهای پس از انقلاب اسلامی شد..

- روز آخر حضور در نجف اشرف به گورستان وادی السلام رفتیم که بسیار وسیع و اما در برگیرنده مزار بسیاری از بزرگان و فحول عرفان و فقه و اخلاق است و شاید از همه بالاتر مزار سید علی اقای قاضی عارف واصل معاصر است . مزار سید علی دلواری مبارز ضد انگلیسی بوشهری نیز در همین قبرستان است . مسجدی کوچک نیز در این قبرستان وجود دارد که گفته می شود مقام امام زمان (عج) است و زوار زیادی داشت و البته معماری و فضای آن نیز در جذب و جلب علاقمندان بی تاثیر نبود . این قبرستان هم علی رغم اهمیت و عظمتی که دارد فاقد هر گونه نظم و ترتیب و مدیریت و حساب و کتابی است حتی امکان رفتن بالای سر بسیاری از قبور نیست قبور و قطعه ها شماره و نظمی ندارند. الودگی و زباله های رها شده در قبرستان از حد تصور بالاتر است و تاسف هر بیننده ای را بر می انگیزد. این قبرستان که مزار دو پیامبر بزرگ یعنی هود و صالح نیز در آن واقع شده می تواند در صورت مدیریت صحیح از اماکن جذاب تاریخی در فرهنگ اسلامی باشد که متأسفانه چنین نیست . اهمیت وادی السلام در روایاتی است که اشعار دارد روح همه مومنین پس از مرگ در این قبرستان محشور خواهد شد (بحار الانوار 100 ص 233)

مسجد کوفه و دیدنی و جاذبه های منحصر بفرد آن:

نام دیگر کوفه دادالهیجره و قبه السلام است زیرا مدفن بسیاری از علما و صلحاست و مرکز حکومت عدل علوی بود . اهمیت این شهر به حدی است که در تفسیر آیات اول تا سوم سوره مبارکه زیتون در کنار مکه و مدینه و بیت المقدس قرار می گیرد و می گویند بلد الامین مکه سات تین مدینه است زیتون بیت المقدس است و منظور از تور سینین کوفه است.

و در دعای ورود به شهر کوفه می گوئیم اللهم انزلنی منزلاً مبارکاً و انت خیر المنزلین.

یکی از بخش های بسیار جذاب سفر به نجف عزیمت به مسجد کوفه است مسجدی که با نام امیر المومنین گره خورده است . مسجدی که محل راز و نیاز و حکمرانی آن حضرت بوده و در نهایت محل ضربت خوردن و شهادت ایشان است. مسجدی بسیار روحانی و معنوی است. روایت است بانی این مسجد حضرت ادم بوده است . و مقام آن به حدی بالاست که در کنار مسجد الحرام و مسجد النبی از مساجد مقدس نامیده می شود و نقل است امام زین العابدین برای نماز در ایام مسجد از مدینه به عراق می آمدند و هزار پیامبر و هزار وصی در آن نماز گذارده اند. و اعمال خاصی دارد. و غیر از محراب شهادت و دعای امام علی ، مرقد هانی بن عروه ، مختار بن ابی عبیده ثقفی ، مسلم بن عقیل نیز در این مسجد است . مکانهایی هم بعنوان مقام ابراهیم ، خضر ، ادم ، جبرئیل ، امام زین العابدین ، نوح و امام صادق نیز در این مسجد قرار دارد که مستحب است اعمالی در آنجا بجای آورده شود. ما غروب در مسجد کوفه بودیم که باران زیبایی حال و هوای با صفای این مسجد را دو چندان کرد. برخی اماکن

حال و هوای خاصی دارد و معتقدین به عوالم نامحسوس و غیب آن را درک می کنند این مسجد عظیم الشان اینچنین است . حال و هوای دعا و تضرع در این مسجد در انسانها بیشتر می شود .

در کنار مسجد کوفه و دار الاماره که گویا مقر حکومت در قرن اول هجری بوده است خانه ای است منتسب به امیر المومنین که ظاهرا چند باری بازسازی شده است هر چند در اصالت این خانه اجماعی وجود ندارد اما معماری و صفای جالبی در این خانه است و انسان را 1400 سال به درون تاریخ می برد و در ذهن بیننده زندگی مولا در کنار اهل بیتش در این خانه بازسازی می شود.

مسجد سهله:

در دو کیلومتر بالاتر از مسجد کوفه مسجدی به نام مسجد سهله وجود دارد که یکی از چهار بقعه مقدس نجف شمرده می شود. و مانند مسجد کوفه دارای مقام های متعددی برای انجام فرایض است . نام این مسجد بیشتر از همه با نام حضرت صاحب الامر و الزمان (عج) گره خورده است . سهل نام سازنده آن مسجد است . این مسجد خانه حضرت ادریس و ابراهیم و خضر بوده و محل عبادات امام عصر است . اعمال مستحب این مسجد را بجای آورده و با آن خداحافظی کردیم.

عزیمت به کربلای معلی قبله دلهای عاشق:

عشق و شوق فراگیر و عالمگیر به امام حسین (ع) و فرزندان و اصحاب وفاوار ایشان بسیار راز آلود و تامل برانگیز است . چه بسیار ازادگان و اصلاح گران و مبارزان و رهبران و حتی پیامبران در تاریخ بوده اند که نامشان به نیکی در جریده عالم ثبت شده است و آبروی بشریت محسوب می شوند و احترام انسانها را در ادوار تاریخ برانگیخته اند اما نام و یادشان اشکی بر چشم ، عشقی در دل و شوری در جان ایجاد نمی کند . بسیاری از این نام آوران در راه حقیقت و زیبایی و آزادی انسانها از طوق بندگی و خواری زجرها کشیده اند و دردها تحمل کرده اند و برخی شهد شهادت نوشیده اند اما هیچ کدام مانند حسین بن علی (ع) بغض در گلو و شور در وجود انسانها ایجاد نمی کنند.

تکرار نقل و روایت تراژدیها و حماسه های تاریخی از جاذبه آنها می کاهد و به عبارتی همه رخدادهای کهنه و قدیمی و تکراری می شوند جز تاسوعا و عاشورای حسینی . هر سال که می گذرد این آیین و مناسک دینی و انسانی و روحانی پرشور تر و جذاب تر و دلربا تر می گردد. در این تردیدی نیست که راه حسین و مصائب حسین

منحصر به فرد است و این یکتایی و یگانگی مصائب ایشان هر روح سالم و هر وجدان بیداری را می‌گذازد و تاب و تحمل را از سوگواران حضرتش می‌ستاند اما راز مانایی شور حسینی در پهنه تاریخ و درازنای روزگاران در چیست؟ چگونه است که گویی روح بلند امام همام ناظر و حاضر بر این سوگواری هاست و دست عنایت و نوازش او بر سر همه سوگوارانش کشیده می‌شود. سفره نعمت و رحمت و برکت و شفا و گشایش حسین نه تنها در 1400 سال برچیده نشده بلکه هر سال گسترده تر و پر بار تر و جان افزا تر شده است؟ راز این همه عزت و محبوبیت در چیست؟ حقیقتاً و بدون مجامله واژه عزت وامدار نام حسین است. حسین آبروی تاریخ است اما چرا و چگونه چنین واقعیتی در برابر دیدگان ما تجلی یافته است؟ پ اسخهای گوناگونی به این پرسش ارایه شده و داده خواهد شد اما حقیر در این نوشته نگاه دیگری به امام مظلومان و آقای عزت مندان و محبوب و معشوق آزادگان جهان کرده ام و آن بیان این واقعیت است که حسین بلاشک برگزیده خدا در اعطای عزت و کرامت است. گویی حضرت حق در میان خیل انسانهای بزرگ و جاویدان اعصار مختلف امانتی را به آنها عرضه داشت به نام عشق و پرستش و البته بسیاری با روح بزرگشان تحمل برداشتن این بار امانت را داشته اند ولی حسین است که یکجا و به شکل اکمل امانت دار خدا گشت و یگانه قهرمان صحنه عشق بازی با خدا در عاشورا شد. العیاذبالله و بوجه تمثیل خدا نیز بر این همه محبت و عشق و بندگی و فرمانبری حسین به خدای خود اشک ریخت. حسین آبروی انسان و بشریت را در دستگاه الهی و آفرینش خرید. بزرگی حرکت او و عمق مصیب های او پرده ای شد بر همه زشتی ها و پلیدی هایی که به نام بشر ثبت شده است. او ضامن جاویدان هدایت پذیری و رستگاری انسان شد. ملایکه را در اطاعت مشتاقانه و پارسایانه حیرت زده کرد و شیطان را بیش از همیشه در رد دعوت به خودخواهی خجلت زده نمود. خدای مهربان و غفور و شکور نیز به مصداق ایه شریفه

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۚ
 حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ
 قَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ
 هِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
 توبه / 111)

به عهد خود وفا نموده است و مهر و عشق حسین را در فطرت ابنای بشر قرار داده است و چه محرومیت بزرگی است برای کسی که این دانه فطرتش را با اشک بر حسین پرورش ندهد.

در واقع امر امام حسین تجلی وعده برحق الهی مبنی بر

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوًّا (81) سلسله.

خداوند در تاریخ برگزیده ای می خواست که غلبه حق و حقیقت و درستی و پاکی و زیبایی بر باطل و دروغ و پلیدی و زشتی را در یک همآورد و در یک میدان و به بهایی بالا و والا نشان دهد و این رسالت بزرگ هزینیه و بهای بالایی داشت که هیچ کس تاب و توان آن را نداشت و ندارد و نخواهد داشت جز حسین (ع) که با مظلومیت خود در روزها و شبها و ساعات غمبار قبل از عاشورا و در نهایت با شهادت جانگداز خود در عاشورا بهای آن را پرداخت و لی برای همیشه تاریخ فریاد زد که حق و راستی و پاکی باقی و پابرجا و باطل و دروغ و زشتی میراست و باطل فقط گهگاهی ظاهر می شود ولی در نهایت زایل شدنی است

ضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس في الارض كذلك يضرب الله الامثال (رعد/17)

اینچنین است که در واقع خداوند متعال بعنوان مظهر حق و حقیقت و منشا و خالق عالم صاحب عزای حسین است و خود ضامن زنده نگهداشتن نام و یاد حسین است و خود او سوز و گداز بر ای بنده برگزیده اش را در جانها می افشاند و شوق برپایی پرچمهای سوگواری و روضه و عزای حسین را در دلهای مومنین می تاباند . حال می توان فهمید که چرا دردانه هستی و هدف خلقت عالم یعنی رسول اعظم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله وسلم می فرماید

إِنَّ الْحُسَّاءَ يَمِينَ بْنِ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفِينَةُ نَجَاةٍ وَإِمَامٌ غَيْرُ وَهْنٍ وَعِزٌّ وَفَخْرٌ وَعِلْمٌ وَذُخْرٌ (ع) یون الحبال 59 علیه السلام، ج

"قسم به خدایی که به حق مرا پیامبر فرموده است، [مقام] حسین بن علی در آسمان بالاتر از [مقام] او در زمین است، و در طرف راست عرش الهی در باره او چنین نوشته شده است: چراغ هدایت و کشتی نجات، امام استوار، مایه عزت و افتخار و [در یای] علم و گنجینه".

از این رو می توان گفت ایام سوگواری حسین بن علی (ع) همچون شب قدر فرصتی است برای رهایی از شر پلیدی ها و زشتی ها و دوستی و نزدیکی به خدای رحمان و زیبنده شدن به نیکی ها و پاکی ها . و این همه از برکت وجود امام حسین (ع) است و چون بسیاری با چشم دل و سر این راز را دیده و گشوده اند در برپایی عزای حسین و پرچم هدایت او پیشگام و پیشرو می شوند و سفره شکرگزاری او هیچ گاه جمع نمی گردد . اینچنین است که کودک و جوان و زن و مرد با هر میزان شور و شعور و سعادت زیر خیمه حسین قرارمیگیرند و باران رحمت الهی بواسطه شفاعت و آبروی حسین بر دل و جسم و جان همگان می بارد و جوانه های عشق و علاقه و شیفتگی به حضرت اباعبدالله را به نهال تقوا و رستگاری مبدل می سازد و تجلیل امام از عمق جانها بر زبانها جاری می شود که

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكُمْ مِنْنِی جَمَّ یَعَا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ
وَالنَّهَارُ... السَّلَامُ عَلَی الْحُسَّیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَّیْنِ وَ عَلَی أَوْلَا دِ الْحُسَّیْنِ عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَّیْنِ

قسم خداوند درباره مقام امام حسین(ع)

امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی گهربار در خصوص مقام امام حسین علیه السلام نزد خدای متعال و قسم حضرت حق در این باره فرموده است :

حسین، بزرگ مرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیبت زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود، قسم یاد کرد که هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنهکار و اندوهناک و تشنه ای و هیچ بلا دیده ای به خدا روی نمی آورد و نزد قبر حسین علیه السلام دعا نمی کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی سازد، مگر این که خداوند، اندوهش را برطرف و حاجاتش را برآورده می کند و گناهش را می بخشد و عمرش را طولانی و روزی اش را گسترده می سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید!

جمعه 17 شعبان برابر با 15 اردیبهشت 1397 بعد از وداعی غمبار با نجف و مزار منور امیرالمومنین (ع) با جانی مملو از شوق زیارت سید الشهداء امام حسین (ع) به سوی کربلا حرکت کردیم . شهری که از فردای عاشورا بنا گذاشته شد. زمانی که در 12 محرم سال 61 هجری اجساد مطهر امام و فرزندان و یاران ایشان را به خاک سپردند. مسافت نجف تا کربلا زیاد نیست با اتوبوس حدود 45 دقیقه راه بود و ساعت 12 ظهر در هتل جواهر کربلا نزدیک خیمه گاه اباعبدالله مستقر شدیم . هتل جواهر نسبت به هتل نجف به مراتب مدرن تر و تمیز تر و استاندارد بود . نهار را در هتل خوردیم و جالب اینکه ابگوشت خوشمزه و متفاوتی را ارایه دادند و از آشپزخانه و

رستوران هتل می شد گنبد نورانی کربلا را زیارت کرد و اشک ها را جاری ساخت . بعد از ظهر راهی حرم مطهر امام حسین شدیم که حدود 10 دقیقه پیاده تا هتل راه بود بعلت طرح بزرگ توسعه حرم حسینی مقداری مسیر طولانی تر شده و عبوراز کنار کارگاههای عمرانی صدای ماشین های بزرگ ساخت و ساز مسیر را از فضای زیارتی و معنوی دور ساخته است اما هر چه به بین الحرمین نزدیکتر می شدیم شوق زیارت مزار مولا افزون می شد بهر حال 40 سال با نام حسین و اولاد و اصحاب حسین و کربلا زیسته بودم و از این سرزمین مقدس تصویری ساخته بودم که این سفر زمان تطبیق آن با واقعیات بود.همیشه در ادعیه و راز و نیازها دعا کرده بودم که خدایا ما را زایر کربلا قرار بده خدایا راه ما را به سوی کربلا بگشا و... و امروز چنین شده بود . بهر حال واردصحن مطهر حسینی شدیم بسیار بزرگ تر و مجلل تر و با شکوه تر از نجف است صحن های بزرگ و جمعیتی بسیار زیاد که در بین الحرمین حضور داشتند . می گفتند جمعه ها کربلا خیلی شلوغ است زیرا عراقی ها و اعراب برای زیارت به کربلا مشرف می شوند.ما از سمت باب القبله به حرم نزدیک شدیم و از باب قاضی الحاجات و باب الشهداء که روبروی بین الحرمین است وارد حرم مطهر شدیم . حرم مطهر امام حسین 9 باب دارد به نام های باب الزینبیه ، باب راس الحسین ، باب السلطانیه ، باب السدره ، باب السلام ، باب الکرامه ، باب الشهداء ، باب قاضی الحاجات ، باب الرجا و باب القبله . که تعدادی از انها بعلت طرح توسعه حرم و کارهای عمرانی بسته است . قدم به قدم و جای جای کربلا جذاب و تامل برانگیز است به هر سوی رو می کنی یک دنیا ذهنیت و خاطره و احساس وجودت را فرا می گیرد. حرم های مطهر امام حسین و حضرت عباس و بین الحرمین که جای خود دارد .تل زینبیه ، خیمه گاه یا مخیم ، کف العباس و نهر القمه هر کدام مملو از احساس و شور و حال است . وارد حرم مطهر که می شوی قبر شش گوشه اقا اباعبدالله غوغایی است مانند شمعی که در همه زمانها و همه مکانها می سوزد جلب توجه می کند و گویی هزار سال است لحظه ای آرام نداردو پروانه ها پیرامون آن پر می زنند. در کنار آن مزار حبیب بن مظاهر صحابی رسول اکرم و امام است که در کربلا به شهادت رسید . بقعه دیگر مربوط به شهدای کربلاست که همگی در یک نقطه دفن شده اند. برای قتلگاه امام هم ضریحی احداث شده که بر اعماق روح انسان چنگ می زند و جان زوار را می سوزاند زیرا تصور شهادت مولا را با همه مقتل هایی که خواندیم را زنده میکند. و بر لبان همگان جاری می شود که بابی انت و امی یابن رسول الله یا اباعبدالله عظمت الرزیه و جلت المصیبه بک علینا و علی جمیع اهل سماوات و الارض.

مرقد مطهر امام حسین بعد از دفن توسط بین اسد در سال 61 هجری برای نخستین بار در سال 65 هجری توسط مختار بنایی ساده برای ان ساخته شد. حرم حسینی بارها تخریب شد تا قرن سوم که سید ابراهیم مجاب در جوار مرقد سکنی گزید و آبادانی حرم شروع شد .برای نماز های جماعت مشرف به حرم می شدیم . جالب است در حرم امام حسین دو نماز جماعت بطور همزمان خوانده می شود یکی به امامت آقای کربلایی در سمت راست باب القبله و دیگری به امامت نماینده آقای شیرازی در سمت چپ باب القبله.

اما عظمت و صفای کربلا منحصر به مزار منور حسینی نیست در فاصله ای نزدیک مزار سقای کربلا و قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس واقع شده است . شخصیتی بزرگ و باب الحوایج که در 34 سالگی و عنفوان جوانی در حالی که می توانست از مهلکه کربلا نجات یابد بر سر پیمان و وفا با امام زمان خویش جان خود را فدا کرد و به اسطوره ی شجاعت و شهامت و محبت و رشادت در تاریخ تبدیل شد و روز به روز نام او در خشان تر و منبع الهام انسانها شده است.

غیر از کف العباس یا مقام دستهای نازنین و بریده حضرت که در حماسه آوردن اب برای کودکان تشنه کربلا قطع شد نهر علقمه هم حال و هوای خاصی دارد و یادآور رشادتهای این برادر و یار وفادار حضرت ابا عبدالله الحسین است.

بازدید از پروژه محکم سازی حرم امام حسین

با هماهنگی آقای محسنی مدیر اژانس مسافرتی صبح صادق به همراه تعداد محدودی از زوار توفیق یافتیم از یکی از فازهای عمرانی طرح توسعه حرم امام حسین بازدید کنیم . در این فاز که معماران و مهندسان و کارگران ایرانی از خطه کرمان در آن مشارکت داشتند ستونهای حرم مطهر امام حسین لاغر سازی و در عین حال محکم سازی می شد . جالب است بدانید وزن گنبد حرم 1200 تن است که روی 4 ستونی است که هزار سال پیش و در دوران ال بویه ساخته شده است و پایدارماندن این ستونها بعد از این همه سال واقعا عجیب است . در این طرح که حدود سه سال است در حال اجراست بطور همزمان این ستونها تعویض می شوند که پروژه ای کم نظیر در دانش مهندسی است و همچنین قرار است ارتفاع گنبد هم هفت متر افزایش یابد. تا دید بهترین پیدا کند . بعد از شنیدن توضیحات فنی این پروژه توفیقی نصیبمان شد که با بازکردن درب حرم در فضایی خلوت و زیر گنبد دقایقی حرم امام و مولایمان را زیارت کنیم اتفاقی که شاید به این شکل هیچ وقت تکرار نشود.

دیدار با اقوام مادری و صله ارحام در کربلا:

قبل از عزیمت به عتبات قرار گذاشته بودیم در این سفر صله ارحام را بجا آوریم . و ان هم دیدار خاله مادرم بود که 60 سال پیش به کربلا آمده و در همین شهر ازدواج کرده و اکنون ده فرزند و دهها نوه و نتیجه دارد. دیدار این

زن مهربان بسیار هیجان انگیز بود از این نظر که به زیبایی سخن می گفت و بسیار به اقوام و خویشان خود ابراز محبت و علاقه می کرد. این خانم حدود 60 سال پیش به همراه خانواده برای سفر زیارتی به کربلا مشرف می شود اما بنا به تقدیر به همراه یکی از خواهرانش در همین شهر ازدواج کرده و ساکن کربلا می شود. از قضا با روی کار آمدن عبدالکریم قاسم در عراق و خراب شدن روابط ایران و عراق امکان بازگشت ایرانیها به کشورشان از بین رفته و قصه هجران آغاز می شود.

نکته جالب اینجا بود که فرزند ارشد خاله رقیه در جنگ هشت ساله کشته شده بود و در آنجا عمق فاجعه ای به نام جنگ را بیشتر حس کردم که اینگونه منجر به برادرکشی و مسلمان کشی شد و نفع آن را کشورهای استکباری بردند و هزینه آن را ملت‌های مسلمان ایران و عراق دادند.

بهر حال مهمان نوازی خوب این خانواده و خویشاوند عراقی واقعا لذت بخش و دلنواز بود اصرار داشتند که شب را آنجا بمانیم ولی نه دیگر ما ایرانیها چنین رسمی داریم و نه زمان به ما چنین اجازه ای می داد.

وداع با کربلا:

روز بعد هم روز وداع با کربلای معلی بود. نهار را میهمان مضیف حضرت عباس بودیم و شام را میهمان مضیف امام حسین. و این سعادت بزرگی بود که کمتر نصیب کسی می شود تا از غذای متبرک این دو صحن مطهر بهره مند شود. البته سعادت ما بود که در نجف هم وعده ای نهار را در مضیف امام علی میهمان بودیم و از غذای متبرک آنجا متنعم شدیم.

شب هم در بین الحرمین دعا و روضه وداع خوانده شد و مهمترین دعای همه ما این بود که مبادا این سفر آخر ما به کربلا باشد امین یا رب العالمین.

سفر به سامرا و کاظمین

وقتی سخن از روز پایانی سفر شد هم غمی در دلمان نشست که این سفر معنوی رو به پایان است و هم کنجکاو شدیم که سفر به این دو شهر چگونه است؟ دوشنبه صبح ساعت 6 از کربلا راهی سامرا شدیم 4 ساعت با اتوبوس مسیر را طی کردیم در مسیر ویرانه های ناشی از جنایات داعش دیده می شد بعثت نزدیکی انتخابات پارلمانی عراق فضای بین راهی هم مانند فضای شهری انتخاباتی بود مملو از پوسترهای تبلیغاتی. تشدید فضای ایست و بازرسی ها نیز ناشی از همین رویداد مهم بود. این انتخابات نخستین انتخابات عراق پس از شکست های داعش بود که با پیروزی نسبی جریان منتسب به مقتدی صدر برگزار شد.

سامرا مزار مطهر دو امام عظیم الشان یعنی امام دهم امام هادی و امام یازدهم حضرت حسن عسکری است که موسوم به عسکرین هستند. سامرا تا چند وقت پیش نا امن بود. و حتی چند باری حرم مطهر مورد حمله تروریستی و بمب گذاری قرار گرفته است. اما امروز اوضاع بهتر است. سامرا روستایی بزرگ است بسیار غریب و الوده از نظر نظافت شهری و البته بی نظم. کاروانهای زیادی برای زیارت به این شهر می آیند و فقدان برنامه ریزی متمرکز برای ساماندهی آنان کاملاً مشهود است. و در صورتی که هوا گرم و ناسازگار باشد بویژه برای زنان و مردان کهنسال این بخش سفر بسیار سنگین خواهد بود. حرم مطهر عسکرین نزدیک زندانی است که امامان عظیم الشان ما سالها در آنجا و در دوران معتمد عباسی در نیمه قرن سوم هجری محبوس بودند. امام هادی 33 سال امام بودند و امام عسکری 6 سال. هر دو امام جوان مرگ شدند امام هادی 42 سال عمر کردند و امام عسکری 28 سال و

در پایین پای عسکرین و چسبیده به ضریح آن دو بزرگوار مزار حکیمه خاتون دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری قرار دارد. بانوی بزرگواری که محضر 4 امام همام را درک کرده اند و اولین کسی هستند که چشمشان به جمنا حضرت ولی عصر روشن شده است.

مزار نرجس خاتون مادر امام زمان نیز در حرم عسکرین است. مادر امام زمان و همسر امام حسن عسکری نوه قیصر روم بود و نام اولیه او ملیکا بود.

یکی از جاذبه های سامرا سرداب مقدس است. این سرداب در زیر زمین خانه امام هادی واقع شده است و سه امام عزیزمان در این سرداب عبادت کرده اند. این سرداب در حال حاضر در ضلع شمال غربی صحن عسکرین واقع شده است و در حال توسعه و بهسازی است. باوری خرافی وجود دارد که سرداب مقدس محل غیبت و اختفای !!! امام عصر است در حالی که چنین نیست و چنین باوری با اصل مهدویت در منافات است. بهر حال سرداب فضای معنوی و باصفایی دارد نماز ظهر و عصر را در همین سرداب خواندیم و راهی زیارت امام زاده سید محمد شدیم.

ایشان فرزند بزرگ امام هادی هستند که 2 سال قبل از شهادت امام هادی به رحمت خدا رفته است یعنی سال 252 هجری قمری و روایت است برادر ایشان یعنی امام حسن عسکری در سوگ او بسیار مغموم شد. مزار سید محمد در 50 کیلومتری جنوب سامرا و در منطقه ای به نام دجیل واقع شده در نزدیکی شهر بلد واقع در استان صلاح الدین. این شهر تا بغداد و کاظمین 80 کیلومتر فاصله دارد.

ورود به کاظمین

نهار را در فضای باز امام زاده سید محمد خوردیم و ساعت 2 بعد از ظهر به سوی کاظمین روانه شدیم و 4 ساعت بعد وارد بغداد و کاظمین شدیم. در هتل خفاجی ساکن شدیم. در کاظمین برخلاف شهرهای دیگر ساک و

بارمان را تخلیه نکردیم و تنها با یک ساک دستی از پارکینگی که نسبتاً دور از هتل واقع است راهی هتل شدیم زیرا باید فردا صبح راهی فرودگاه بغداد می شدیم. بخش ناخوشایند سفر به عتبات اقامت بسیار کوتاه مدت در کاظمین است. فضای تمیز تر و جذاب کاظمین زائر را مشتاق به ماندن در کاظمین می کند.

شهری سرسبز و بسیار خوش آب و هوا نسبت به سامرا و نجف و کربلا.

مزار مطهر امام هفتم امام موسی بن جعفر و امام نهم امام جواد در کاظمین است. صحن و سرایی بسیار معنوی و دلنشین. که مزار دو امام هما مانند نگینی در میان آنها واقع شده است. این حرم مطهر دارای 4 صحن به نامهای باب القریش، باب القبله، باب المراد و باب علی بن ابیطالب است که هتل محل استقرار ما در انتهای خیابان منتهی به باب المراد است. معماری حرم جوادین از نظر معماری و چشم نوازی بسیار زیباست. وقتی در اطراف حرم حرکت می کنی امضای بسیاری از معماران و واقفین ایرانی را مشاهده می کنی که نشان می دهد ایرانیان چه سهم و نقش برجسته ای در ساخت و توسعه این اماکن متبرکه داشته اند.

در اطراف ضریح مقدس امامان مزار شخصیت های بزرگ و برجسته ای نیز خود نمایی می کند. مانند مزار خواجه نصیر الدین توسی که بعثت قرار گرفتن در بخش زنان امکان زیارت آن میسر نبود. مزار شیخ مفید و مزار خانواده صدر بویژه سید اسماعیل صدر. مزار سید مرتضی علم الهدی و سید رضی نیز در خارج از صحن و بین باب المغفره و باب فاطمه واقع شده است. علی رغم خستگی فراوان ناشی از سفر به سامرا انقدر فضای حرم امامان موسی بن جعفر و جواد معنوی و مصفا بود که صبح ساعت 3 مجدداً راهی حرم شدم و تا بعد از اذان صبح به زیارت و عبادت و مشاهده پرداختم.

سپس بازگشته و ساعت 8 راهی فرودگاه بغداد شدیم تا به ایران بازگردیم. تشریفات ملال آور امنیتی فرودگاه بغداد باعث شد تا برای پرواز ساعت 14:30 بعد از ظهر ساعتها زودتر راهی فرودگاه شویم.

بهر حال پرواز شماره 136626 هشتم می 2018 از فرودگاه بغداد به فرودگاه امام خمینی برخلاف مسیر رفت بدون تغییر و بدون حاشیه ای انجام شد و به کشور بازگشتیم. با یک دنیا خاطرات فراموش نشدنی از این سفر معنوی.

تعبیر من از سفر به عتبات این است که این سفر به هویت تاریخی و دینی و اعتقادی ما قوام و استحکام و وضوح می بخشد. تصویری را که عمری با آنها بزرگ شده ایم را تصدیق می کند و شاید از این روست که این سفر تا انی حد توصیه شده است.

